

ارزیابی ساختار معنایی موجود در بُعد کالبدی مکان و معماری در بناهای میان‌افزا و بافت تاریخی لاله‌زار

چکیده

این مطالعه به بررسی تعامل پیچیده بین معماری و معناشناسی در ساختمان‌های میانی لاله‌زار می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه فرم‌های فیزیکی روایت‌های فرهنگی و تاریخی را تجسم می‌دهند. بر نقش معماری به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان فرهنگی و مخزن ارزش‌ها و خاطرات اجتماعی تأکید می‌کند. هدف این تحقیق تحلیل عمیق ساختارهای معنایی در ابعاد فیزیکی معماری لاله‌زار است. به‌دنبال درک چگونگی ارتباط این سازه‌ها با زمینه‌های فرهنگی و تاریخی است و از این طریق به حوزه وسیع‌تر مطالعات معماری و شهری کمک می‌کند. این مطالعه از یک رویکرد ترکیبی جامع استفاده می‌کند، که هر دو روش تحقیق کیفی و کمی را ادغام می‌کند. جمع‌آوری داده‌ها شامل بررسی، مصاحبه و مشاهدات است که با اسناد تاریخی و نظرات کارشناسان تکمیل می‌شود. این تحقیق به‌صورت روش‌شناختی ارزش‌های معنایی تعبیه شده در معماری را با تمرکز بر عناصری مانند تعادل، تناسب و تداوم بررسی می‌کند. یافته‌ها ادغام هماهنگ طرح‌های مدرن و سنتی در معماری لاله‌زار را در تعادل، تناسب و تداوم نشان می‌دهند. این مطالعه همچنین عناصر معنایی کلیدی مانند خط افق و ورودی‌ها را شناسایی می‌کند که به‌طور منحصربه‌فردی به هویت معماری خیابان لاله‌زار کمک می‌کنند. به‌طور خلاصه، این تحقیق درک دقیقی از معماری معنایی لاله‌زار ارائه می‌دهد و تابلوی غنی از معانی را که بناهای تاریخی منتقل می‌کنند، روشن می‌کند. این درک برای حفظ میراث فرهنگی و هدایت مداخلات معماری آینده در زمینه‌های تاریخی مشابه بسیار مهم است.

اهداف پژوهش:

۱. تحلیل و بررسی عمیق ساختارهای معنایی در ابعاد فیزیکی معماری لاله‌زار.
۲. بررسی و شناخت ارتباط معماری لاله‌زار با زمینه‌های فرهنگی و تاریخی.

سؤالات پژوهش:

۱. ساختارهای معنایی در ابعاد فیزیکی معماری لاله‌زار به چه صورت است؟
۲. آیا بین معماری لاله‌زار و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی ارتباطی وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها: معماری میان‌افزا، ساختار معنایی، افت، لاله‌زار، هویت.

مقدمه

معماری، به‌عنوان یک شکل هنری، از چیدمان صرف آجر و ملات فراتر می‌رود و به‌مثابه تجلی ملموس معنا عمل می‌کند، مجرای که فرهنگ‌ها از طریق آن روایت‌ها و تاریخ‌های خود را با یکدیگر ارتباط می‌دهند. تعامل بین فرم و معنا در معماری، بینش عمیقی را در مورد گذشته ارائه می‌دهد و لایه‌هایی از تاریخ، فرهنگ و نشانه‌شناسی را آشکار می‌کند که محیط ساخته شده را شکل می‌دهد (چینگ، ۲۰۲۳). در این زمینه، درک رابطه پیچیده بین ویژگی‌های کالبدی فضاها و معماری و لایه‌های معنایی متنوعی که آن‌ها تجسم می‌کنند بسیار مهم می‌شود. معنا در شکل‌های بی‌شمار خود، فرآیند انتقال است و معماری به‌عنوان یکی از عمیق‌ترین جلوه‌های آن عمل می‌کند (براتی، ۱۳۹۱: ۵۵). از طریق این رسانه است که فرهنگ‌ها داستان‌ها، باورها و ارزش‌های خود را بیان می‌کنند و اثری پاک‌نشدنی بر چشم‌انداز ساخته شده بر جای می‌گذارند. معماری تبدیل به ظرفی می‌شود که از طریق آن تاریخ گفته می‌شود، درک می‌شود و حفظ می‌شود و ابزارهای منحصربه‌فردی را برای رمزگشایی گذشته به ما ارائه می‌دهد.

با عمیق‌تر کردن بافت تاریخی، متوجه می‌شویم که می‌توان آن را از طریق دریچه‌های مختلف درک کرد که هر کدام جنبه‌های مختلف غنای آن را روشن می‌کنند. در میان این لنزها، ریخت‌شناسی، گونه‌شناسی و معناشناسی به‌عنوان ابزارهای ضروری برای کشف اسرار پیکره‌های تاریخی و زمینه‌های فرهنگی که آن‌ها را شکل داده‌اند، ظاهر می‌شوند. این ابزارها ما را قادر می‌سازند تا تعامل پیچیده بین فرم و معنا را در فضاها و معماری تشخیص دهیم و روایت‌های رمزگذاری شده در خود ساختارهای کالبدی را آشکار کنیم (هیلیر، ۲۰۱۱). همان‌طور که ما این سفر را آغاز می‌کنیم، تشخیص این امر ضروری است که اهمیت معماری فراتر از کاربرد کاربردی آن است. این مخزن حافظه فرهنگی است، بوم نقاشی که داستان جوامع و تمدن‌ها روی آن نقاشی شده است. با کالبدشکافی ریخت‌شناسی، گونه‌شناسی و معناشناسی بناهای تاریخی، به آگاهی جمعی دوره‌های گذشته دسترسی پیدا می‌کنیم و درک خود را از گذشته و تأثیر پایدار آن بر زمان حال غنی می‌کنیم (Ujang & Zakariya, ۲۰۱۵). از طریق آمیختگی دیدگاه‌های متنوع، از چارچوب جیمز گیبسون که سطوح معنا را در محیط‌های معماری مشخص می‌کند تا تفاوت‌های ظریف معانی صریح و ضمنی (اکو، ۱۹۶۸)، ما مجهز شده‌ایم تا در زمین پیچیده معناشناسی معماری حرکت کنیم. تشخیص اینکه معنا نه‌تنها در ویژگی‌های کالبدی محیط بلکه در ذهن انسان نیز وجود دارد، بر پیچیدگی طراحی معماری تأکید می‌کند (Sitinjak, Wardani, & Nilasari, ۲۰۲۰). این درک معماران و طراحان را قادر می‌سازد تا فضاهایی را ایجاد کنند که به‌طور واقعی با کاربران خود طنین‌انداز شده و بافت فرهنگی و شهری را غنی کنند. با پیشرفت تحقیقات در این زمینه، کاوش در شاخص‌های معنایی، بینش عمیق‌تری را در رابطه با رابطه چندوجهی بین فرم و معنا در معماری نوید می‌دهد. این درک جامع نه‌تنها به مطالعات معماری آینده اطلاع می‌دهد، بلکه به معماران و طراحان قدرت می‌دهد تا به‌طور معناداری در ایجاد فضاهایی که تجربه انسانی را در محیط ساخته‌شده غنی می‌کند، مشارکت کنند.

پژوهش با عنوان «ارزیابی ساختار معنایی در بعد کالبدی مکان در بناهای میانی و بافت تاریخی لاله‌زار» سفری میان‌رشته‌ای را در تقاطع مطالعات معماری، مردم‌شناسی، دین و شهرسازی آغاز می‌کند. در این زمینه، درک رابطه پیچیده بین فرم کالبدی فضاها و معماری و معانی نهفته در آن‌ها بسیار مهم می‌شود. در این مقدمه، مروری بر این پژوهش ارائه می‌کنیم و زمینه را برای کاوش در معناشناسی معماری در بافت تاریخی لاله‌زار فراهم می‌کنیم. معماری به‌عنوان یک بیان ملموس از خلاقیت و فرهنگ انسان، به‌عنوان یک رسانه قدرتمند برای انتقال معنا عمل می‌کند (چینگ، ۲۰۲۳). معماری از بدو پیدایش نقشی محوری در بازنمایی ارزش‌های فرهنگی، باورهای مذهبی و هنجارهای

اجتماعی داشته است. در این راستا، نلسون (۲۰۰۸) معتقد است که مفهوم مکان و معانی مرتبط با آن ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد و محیط ساخته شده را به شیوه‌های عمیقی شکل می‌دهد. معماری، به‌عنوان تجلی کالبدی این معانی، ملیله‌ای غنی از بینش‌ها در مورد تجربه انسانی ارائه می‌دهد (نلسون، ۲۰۰۸).

میشنا، متنی مرکزی در حقوق یهود، نمونه‌ی منحصر به فردی از نحوه‌ی همگرایی شکل و معنا در یک بافت مذهبی ارائه می‌دهد (نوزنر، ۱۹۷۷). ساختار و ترتیب میشنا اهمیت عمیقی دارد و مفاهیم دینی و حقوقی را منعکس می‌کند. این تلاقی فرم و معنا در معماری مذهبی، رابطه‌ی پیچیده بین امر کالبدی و امر نمادین را روشن می‌کند (Neusner, ۱۹۷۷). پروژه‌های بازآفرینی و احیای شهری دیدگاه دیگری را در مورد مفهوم مکان و معانی آن ارائه می‌دهند (Ujang & Zakariya, ۲۰۱۵). این پروژه‌ها اغلب مستلزم دگرگونی فضاهای شهری موجود، حفظ عناصر تاریخی و در عین حال معرفی مداخلات معاصر هستند. چنین مداخلاتی با هدف جوانسازی نه تنها محیط کالبدی بلکه معنا و هویت مرتبط با یک مکان است (Ujang & Zakariya, ۲۰۱۵). کار E. Canniffe «سیاست میدان: تاریخچه و معنای میدان ایتالیا»، به اهمیت تاریخی میدان‌های ایتالیایی، معروف به پیازا می‌پردازد (Canniffe: ۲۰۱۶). این فضاهای نمادین در طول قرن‌ها تکامل یافته‌اند و معانی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در خود جای داده‌اند. کاوش Canniffe بر ماهیت پویای معناشناسی معماری در بافت‌های تاریخی تأکید می‌کند (Canniffe: ۲۰۱۶). همان‌طور که ما به رابطه پیچیده بین معماری و معنا می‌پردازیم، تشخیص این نکته ضروری است که طراحی معماری فراتر از زیبایی‌شناسی و عملکرد است. این مستلزم درک عمیقی از نحوه‌ی تعامل شکل و معنا و ادغام آن‌ها برای ایجاد فضاهایی است که با کاربران خود طنین‌انداز می‌شود (Hershberger, ۲۰۲۱).

پژوهش عادل و ندیمی، «فرم به‌عنوان استطاعت: مبنای نظری و چارچوب مفهومی برای معنای معماری»، چارچوبی نظری ارائه می‌کند که توانایی‌های فرم معماری در انتقال معنا را بررسی می‌کند (عادل و ندیمی، ۲۰۲۲). مفهوم استطاعت نشان می‌دهد که فرم‌های معماری فرصت‌هایی را برای تعامل و تفسیر ارائه می‌کنند و در نهایت به فرآیند معناسازی کمک می‌کنند (عادل و ندیمی، ۲۰۲۲). طراحی معماری دامنه خود را به قلمرو فضاهای مقدس گسترش می‌دهد، جایی که عبادت، فرهنگ اجتماعی، و فرم درهم‌تنیده می‌شوند تا معماری بناهای مذهبی را شکل دهند (گابریل و همکاران، n. d.). تأثیر عبادت و فرهنگ اجتماعی بر معماری مقدس بر تأثیر عمیق معانی معنوی و فرهنگی بر طراحی معماری تأکید می‌کند (Gabriel et al., n. d.). همان‌طور که مینهما (۲۰۲۰) آن را بررسی کرد، زبان معماری خود تبدیل به یک روایت می‌شود. مینهما در «زبان معماری و روایت معمار» به جهت‌گیری فضایی و معنای فرهنگی نهفته در طراحی معماری می‌پردازد (Minnema: ۲۰۲۰). این دیدگاه کیفیت روایی معماری و نقش آن را در انتقال معانی فرهنگی و فضایی برجسته می‌کند (میننما، ۲۰۲۰). معماری سنتی بالی نمونه‌ای شگفت‌انگیز از چگونگی تجسم معانی کیهانی و فرهنگی در معماری ارائه می‌کند (Nilasari, Wardani, Sitinjak: ۲۰۲۰). در «معماری سنتی بالی: از کیهانی تا مدرن»، نویسندگان به نمادگرایی و اهمیت فرهنگی نهفته در طراحی معماری سازه‌های بالی می‌پردازند (Sitinjak, واردانی، و نیلاساری، ۲۰۲۰). خانه جاوه‌ای در دماک، اندونزی نیز، معروف به Pendhapa Natabratan، یک مطالعه موردی در معنای نمادین فضاهای معماری ارائه می‌دهد (اشادی، ۲۰۲۰). این تحقیق به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه خانه جاوه‌ای به‌عنوان یک نماد عمل می‌کند و معانی و سنت‌های فرهنگی را دربر می‌گیرد (اشادی، ۲۰۲۰). در دوران معاصر، مفهوم معماری اسلامی با بازتاب دیدگاه‌های تاریخی و شرق‌شناسانه دستخوش بازتفسیر می‌شود (امیدواری، ۱۳۹۰). مطالعه «خوانش مفهوم معماری اسلامی در دوران

معاصر» بینش‌های ارزشمندی را در مورد معانی در حال تحول معماری اسلامی در بستر مدرن ارائه می‌دهد (امیدواری، ۲۰۲۱). کار پانوفسکی در مورد شمایل‌شناسی و تفسیر فرم ساخته شده، دیدگاهی تاریخی در تحلیل معماری ارائه می‌کند (Sherer, ۲۰۲۰). این تحقیق به نقش شمایل‌شناسی در رمزگشایی معنا و نمادگرایی در ساختارهای معماری می‌پردازد (Sherer, ۲۰۲۰). کاوش استینی از محاسبات با فرم و معنا در معماری بر رابطه پویا بین فرم و معنا تأکید می‌کند (Stiny, ۱۹۸۵). این دیدگاه نقش روش‌های محاسباتی را در درک معانی چندوجهی ذاتی در طراحی معماری برجسته می‌کند (Stiny, ۱۹۸۵). در نهایت، نظریه پیکربندی هیلیر از معنای عمومی در معماری، مفهوم فرم معماری را به‌عنوان بی‌معنا به چالش می‌کشد (هیلیر، ۲۰۱۱). این نظریه فرض می‌کند که پیکربندی‌های معماری ذاتاً معنا و ارزش را منتقل می‌کنند و درک ما را از نحوه تلاقی فرم و معنا در محیط ساخته‌شده گسترش می‌دهند (هیلیر، ۲۰۱۱).

تحقیق حاضر در مورد ساختار معنایی در بعد کالبدی بناهای میانی و بافت تاریخی لاله‌زار از رشته‌ها و دیدگاه‌های گوناگون الهام می‌گیرد. به‌دنبال آن است که لایه‌های معنایی نهفته در فضاهای معماری را باز کند و شکاف بین فرم کالبدی و اهمیت نمادین را پر کند. این کاوش چندوجهی درک جامعی از چگونگی شکل‌دهی و بازتاب معماری معنا در بافت تاریخی لاله‌زار ارائه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری برای تحقیق در مورد «ارزیابی ساختار معنایی در بعد کالبدی مکان در ساختمان‌های میانی و بافت تاریخی لاله‌زار» یافته‌های کلیدی و دلالت‌های آن‌ها را ترکیب می‌کند. این تحقیق رابطه پیچیده بین معماری و معنا را برجسته می‌کند و تأکید می‌کند که چگونه فرم‌های معماری در خیابان لاله‌زار روایت‌های فرهنگی و بافت‌های تاریخی را تجسم می‌دهند. تحلیل نشانه‌شناختی عمق معنا را در این ساختارها آشکار می‌کند، درحالی‌که کاوش در حال و هوای معماری بر طنین احساسی این فضاها تأکید می‌کند. روش‌شناسی این مطالعه، ترکیب رویکردهای کمی و کیفی، درک میراث خیابان لاله‌زار را غنی می‌کند. یافته‌ها بر اهمیت حفظ معماری‌های تاریخی و درعین‌حال تطبیق آن‌ها با نیازهای معاصر تأکید می‌کند و نقش معماری را در شکل‌دهی و بازتاب ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد. این رویکرد جامع، بینش‌های ارزشمندی را برای مطالعات و شیوه‌های معماری آینده ارائه می‌کند و بر اهمیت درک معنایی در طراحی معماری تأکید می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ:

Adeli, S. , & Nadimi, H. (۲۰۲۲). Form as Affordance: The Theoretical Basis and Conceptual Framework for the Meaning of Architecture. *Soffeh*, ۳۲(۱), ۲۱-۴۰.

Ashadi, A. (۲۰۲۰). Pendhapa Natabratan: Symbolic Meaning of the Javanese House in Demak, Indonesia. *International Journal of Architecture, Arts and Applications*, ۶(۲), ۳۹-۴۶.

Berger, A. A. (۲۰۱۲). *Media analysis techniques*. Beverly Hills: Sage Publications.

Berger, A. A. (۲۰۱۲). *Media analysis techniques*. Beverly Hills: Sage Publications.

Canniffe, E. (۲۰۱۶). *The politics of the piazza: The history and meaning of the Italian square*. Routledge.

- Ching, Francis DK. *Architecture: Form, space, and order*. John Wiley & Sons. (2023).
- Christomy, T. , & Yuwono, U. (2004). *Semiotika budaya*. Jakarta: Pusat Penelitian Kem
- Gabriel, O. O. , Anthony, I. , Tunji, A. , & Olanrewaju, A. O. INFLUENCE OF LITURGY AND SOCIO CULTURE ON THE FORM AND MEANING OF THE ARCHITECTURE OF SACRED HEARTS CATHOLIC CHURCH ODOGUNYAN, IKORODU, LAGOS, NIGERIA.
- Habibabad, A. S. , & Matracchi, P. (2021). A Review of Approaches and Methods for Assessing Sensory Factors in Architectural Environments (Spiritual Experiences in Religious Architecture). *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 31(4).
- Haldane, J. (1999). Form, meaning and value: a history of the philosophy of architecture. *The Journal of Architecture*, 4(1), 9-20.
- Hershberger, R. G. (2021). A study of meaning and architecture. In *EDRA 1* (pp. 86-100). Routledge.
- Hershberger, R. G. (2021). A study of meaning and architecture. In *EDRA 1* (pp. 86-100). Routledge.
- Hillier, W. R. G. (2011). Is architectural form meaningless: a configurational theory of generic meaning in architecture, and its limits. *Journal of Space Syntax* 2, 2, 120-10
- Jigyasu, R. , Murthy, M. , Boccardi, G. , Marrion, C. , Douglas, D. , King, J. , O'Brien, G. , Dolcemascolo, G. , Kim, Y. , Albrito, P. , and others (2013). *Heritage and resilience: issues and opportunities for reducing disaster risks*.
- Minnema, L. (2020). The language of architecture and the narrative of the architect: An essay on spatial orientation and cultural meaning in architecture. *Handbook of the Changing World Language Map*, 843-860.
- Nelson, K. (2008). Concept, word and meaning in brief historical context. *Journal of Anthropological Psychology*, 19(1), 28-31.
- Neusner, J. (1977). Form and meaning in Mishnah. *Journal of the American Academy of Religion*, 45(1), 27-54.
- Omidvari, S. (2021). Reading the Concept of Islamic Architecture in the Contemporary Era from the Perspective of Historians and Orientalists. *The Journal of Research in Humanities*, 28(1), 23-30.
- Poulios, I. (2014). *Past in the Present*. Ubiquity Press.
- Rogozov, Y. , Belikov, A. , & Shevchenko, O. (2019, December). The Approach to Basic Abstraction Construction for the Architectural Schemes Design. In *11st International Workshop on Computer Science and Information Technologies (CSIT 2019)* (pp. 99-103). Atlantis Press.
- Saussure, F. de. (1909). *General course in linguistics*. Trans. Wade Baskin.
- Sherer, D. (2020). Panofsky on Architecture: Iconology and the Interpretation of Built Form, 1910-1906, Part I. *History of Humanities*, 0(1), 189-224.

- Sitinjak, R. H. I. , Wardani, L. K. , & Nilasari, P. F. (2020). Traditional Balinese Architecture: From Cosmic to Modern. In SHS Web of Conferences (Vol. 36, p. 01047). EDP Sciences.
- Sobur, A. (2017). Semiotika komunikasi. Remaja Karya.
- Steber, C. (1960). "Energetics and structuralism. " American Anthropologist, 64(4), 178-193.
- Stiny, G. N. (1980). Computing with form and meaning in architecture. Journal of Architectural Education, 34(1), 7-19.
- Suprati, A. , & Iskandar, I. (2020). Reading meaning of architectural work in a living heritage. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science (Vol. 405, No. 1, p. 012023). IOP Publishing.
- ten Hacken, P. , & ten Hacken, P. (2019). The mental lexicon in Jackendoff's parallel architecture. Word Formation in Parallel Architecture: The Case for a Separate Component, 3-22.
- Ujang, N. , & Zakariya, K. (2010). The notion of place, place meaning and identity in urban regeneration. Procedia-social and behavioral sciences, 110, 709-717.
- Ujang, N. , & Zakariya, K. (2010). The notion of place, place meaning and identity in urban regeneration. Procedia-social and behavioral sciences, 110, 709-717.
- Widyawati, L. (2017). Semiotik Ruang Publik Kota Lama Alun-alun Selatan Kraton Yogyakarta. NALARs, 16, 10-26.